## آغاز اجرای نمایش «یازده چمدان» در مشهد

**شهرآرا قاسمی:** «یازده چمدان» به نویسندگی و کارگردانی سیدجواد رحیم‌زاده از روز گذشته ۱۱ اسفند روی صحنه پردیس تئاتر مستقل مشهد رفته‌است. نمایشی درباره عده‌ای نوجوان که به یک ایستگاه قطار می‌روند و در آنجا متوجه می‌شوند قرار است اتفاقاتی برای آن‌ها بیفتد. سیدجواد رحیم‌زاده درباره این نمایش توضیح می‌دهد: «یازده چمدان» نگاهی دارد به نخبه‌های علمی، فرهنگی و هنری که تصمیم به مهاجرت می‌گیرند یا از آن‌ها برای مهاجرت دعوت می‌شود. در اصل این نمایش به پدیده مهاجرت مغزها (نوجوان‌ها) می‌پردازد. رحیم‌زاده این اثر را در کارگاه آموزشی پردیس تئاتر مستقل تولید کرده است. به گفته او تمرینات «یازده چمدان» پیش از کرونا انجام شده است، اما در زمان شیوع کرونا نیز با یک‌سال وقفه بار دیگر تمرینات از سر گرفته شده تا نمایش آماده اجرا شود.

**سختی تمرین در شرایط کرونا**

رحیم‌زاده از مشکلات فراوان تمرین تئاتر در وضعیت کرونا می‌گوید: پس از یک‌سال، جمع کردن این گروه دور هم کار سختی بود. ما کار را تقریبا از اول شروع کردیم. چند بازیگر عوض شدند و بخش‌هایی از کار هم تغییر کرد، اما کلیت این مجموعه همان چیزی است که همان یک‌سال گذشته جمع‌بندی کرده بودیم. او ادامه می‌دهد: همین امسال هم که کار را دوباره آغاز کردیم، به اعضای گروه وعده اجرا ندادیم، چون شرایط پیش‌بینی ناپذیر بود.

**باید با نوجوانان دوست شد**

رحیم‌زاده که سال‌هاست به‌عنوان نویسنده و کارگردان در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند، از سختی کار با نوجوانان می‌گوید: قطعا کار با خردسال و نوجوان سختی‌های خودش را دارد. ما باید فارغ از دورانی که خودمان گذراندیم با نوجوان‌های امروزی ارتباط برقرار کنیم و سعی کنیم بدون اصرار بر معیارهای خودمان حرف آن‌ها را بفهمیم و نباید آن‌ها را با توجه به معیارهای خودمان بسنجیم. این کارگردان درباره خوبی‌های کار با نوجوانان نیز یادآور می‌شود: کمک و هم‌فکری با آن‌ها در کار بی‌نظیر است. آن‌ها با نظرهایشان به روند صعودی کار کمک می‌کنند، به‌گونه‌ای که اگر من یک جلسه نباشم، خودشان روند تمرین را ادامه می‌دهند.

**حمایتمان کنید**

رحیم‌زاده همچنین تأکید می‌کند: توقع داریم شهرداری، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و همه نهادهایی که متولی‌اند یا می‌توانند به تئاتر مشهد کمک کنند، از این اثر حمایت و آن را تبلیغ کنند. تمرین با ماسک‌های چندلایه واقعا کار سختی است و امیدوارم مرحله اجرا هم به‌نحوی باشد که بچه‌ها انگیزه ادامه کار را داشته باشند و ما این گروه خلاق را از دست ندهیم. نمایش «یازده چمدان» تا ۲۵ اسفند در سالن ۱۰۰ نفری انوشیروان ارجمند پردیس مستقل تئاتر مشهد و با ظرفیت ۵۰ نفر اجرا می‌شود.

## «دست‌انداز» کمال تبریزی در صف اکران

شهرآرا فیلم سینمایی «دست‌انداز» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه‌کنندگی محمد آفریده آماده نمایش شده و منتظر است تا در موقعیت مناسبی روی پرده برود. کمال تبریزی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، درباره زمان اکران جدیدترین فیلم خود گفت: اکنون اوضاع سینما خوب نیست و منتظر بازگشایی کامل سینماها هستیم. او تأکید کرد: اکران آنلاین هم هیچ فایده‌ای ندارد؛ بنابراین در انتظار بهبود شرایط کرونایی کشور برای اکران فیلم هستیم. رضا کیانیان، حبیب رضایی، هدی زین‌العابدین، رویا نونهالی و همایون ارشادی بازیگران فیلم «دست‌انداز» هستند. این فیلم یک اثر اجتماعی با چاشنی طنز است.

## برگزاری یک کنسرت اینترنتی

شهرآرا ارکستر مجلسی «نغمه باران» به سرپرستی و خوانندگی علی امیر قاسمی امروز ۱۲ اسفند ساعت ۲۰ به صورت زنده در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. بنا بر اعلام روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، در این برنامه قطعات «باران» و «راپسودی چهارگاه» اثر کیوان ساکت، «دل رسوا»، «تنها منشین» و «رفتم» اثر علی تجویدی، «رنگ آسمان» اثر موسی معروفی، «به یاد آن گذشته» و «بیا» اثر حبیب ا... بدیعی، «خاک مهرآیین» اثر علی‌اکبر قربانی، «خوشه چین» اثر روح ا... خالقی، «درمیان گلها» ساخته همایون خرم، «شوشتری» برای ویولن و ارکستر، کنسرتینو برای سنتور و ارکستر اثر حسین دهلوی از سوی ارکستر نواخته می‌شود. اجرای ارکستر مجلسی نغمه باران، یازدهمین کنسرت آنلاین از تالار وحدت به همت بنیاد رودکی است.

## نوستالژی یا تحریف تاریخ؟

ادامه از یادداشت روز صفحه یک

... طرف طوری از «مجله فیلم» نوشته است که انگار اگر «مجله فیلم» نبود، ما امروز از مدنیت چیزی نمی‌دانستیم و در شوارع با برگ‌توت آمدوشد می‌کردیم و بر درودیوار غار خط‌میخی می‌نوشتیم! نه، عموجان! از این خبرها هم نبود. «مجله فیلم» برای ما که چیزی نداشتیم برای خواندن، آن‌قدر جذاب بود! و اگر نه، از یک دهه‌هفتادی عشق سینما بپرسید ببینم چقدر «مجله فیلم» در زندگی او نقش داشته است. ما در زمانه‌ای که امکان فیلم‌دیدن وجود نداشت، مجله‌ای را می‌خواندیم که فیلم‌دیدن را به خانه خیال ما می‌آورد؛ درست مثل مجله «دنیای ورزش» که نویسندگانش فوتبال را برای ما اجرا می‌کردند؛ آن‌هم در زمانه‌ای که دیدن پخش‌زنده فوتبال در زمره خیالات محال بود. ستایش از «مجله فیلم» و گردانندگانش ستایش از یک عمر تلاش صادقانه و عاشقانه است، اما حواسمان باشد انشانویسی را به‌جای تاریخ ننشانیم و احوالات شخصی خود را به یک نسل و جمع کثیری از مردم نسبت ندهیم و فکر نکنیم حالا که «خانه‌ام ابری است» پس «یک‌سره روی زمین ابری است!»

گفت‌وگو با زهرا شمس مترجم کتاب «آیشمن در اورشلیم؛ گزارشی در باب ابتذال شر» که بعد از ۵۰ سال به فارسی برگردانده شده است

# محاکمه منصفانه، حق همه آدم‌هاست

قاسم فتحی
gh.fathi@shahraranews.ir

گفت‌وگو

**دادگاه آیشمن، افسر بلندپایه رژیم نازی، یکی از پرسروصداترین دادگاه‌های تاریخ معاصر به‌شمار می‌آید. او را یکی از مجریان اصلی تجمیع و کشتار یهودی‌ها می‌دانند که بعد از سرنگونی هیتلر با نام و شناسنامه جعلی به آرژانتین می‌گریزد و مدتی هم آنجا زندگی می‌کند. ولی بعد از مدتی عوامل موساد او را شناسایی می‌کنند و از بوینس‌آیرس می‌ربایند و به اسرائیل می‌آورند. هانا آرنت در کنار نوشتن شرح آنچه در دادگاه رخ می‌دهد، اتهامات، دفاعیات و زندگی آیشمن را در ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. علاوه‌براین، در بستر تاریخی و حقوقی و به‌طور مفصل به ماجرای اخراج، تجمیع، و گزینه‌ای موسوم به «راه‌حل نهایی» یهودیان در طول جنگ جهانی دوم و در کشورهای مختلف اروپا می‌پردازد. نظرات و استدلال‌های آرنت بعد از انتشار کتاب چنان سروصدا می‌کند و چنان هجمه‌ای از سوی یهودی‌ها علیه او راه می‌افتد که تا مدت‌ها از انتشارش در اسرائیل ممانعت به عمل می‌آید. او معتقد بود دولت اسرائیل برای اثبات حقانیت خودش و برای مظلوم‌نمایی و فرستادن این پیام که تنها ملجأ و پناهگاه یهودیان در جهان کشور اسرائیل است دست به ربودن و تشکیل این دادگاه زده است.**

**حالا و بعد از این مدت‌ها کتاب این متفکر آلمانی را زهرا شمس، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق از دانشگاه شهید بهشتی، ترجمه و در نشر «برج» منتشر کرده است. با این مترجم مشهدی درباره کتاب، نظرات آرنت و پرسش‌های بنیادین او درباره حقوق متهم گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.**

**خانم‌شمس! اینکه یکی از کتاب‌های هانا آرنت بعد از ۶۰ سال منتشر شود راستش خیلی تعجب‌آور است و این تعجب از این ناشی می‌شود که گاهی در بازار آشفته ترجمه ما یکهو اثری از سوی چندین مترجم به بازار می‌آید. از طرفی کتاب آرنت کتاب بسیار مهمی در تاریخ اندیشه سیاسی است و بسیار درباره‌اش صحبت کرده‌اند و حرف زده‌اند. خودتان دلیل این تأخیر را چه می‌دانید؟**

فکر می‌کنم دلیل اصلی‌اش ممیزی باشد، چون سایر آثار مهم آرنت به فارسی ترجمه شده‌اند. ممیزی مانع مهمی در رشد و بالندگی اندیشه است، مانعی که ما هم در جریان چاپ این کتاب با آن روبه‌رو شدیم اما خوشبختانه در نهایت حل و فصل شد و توانستیم متن اصلی کتاب را بی‌کم‌وکاست چاپ کنیم.

**شما کتاب «شکستن طلسم وحشت» را هم ترجمه کرده‌اید. آنجا در طول کتاب دورفمن همچنان امیدوار بود که پینوشه محاکمه شود. ولی با همه این‌ها نفرتی توی ادبیاتش نمی‌بینیم، از گذشته یاد می‌کند، از قتل‌عام‌ها و ظلم‌هایی که دیده و شنیده ولی بازهم دنبال این است که دیکتاتور را در یک دادگاه عادل ببیند. آرنت هم اینجا همین نگاه را با شدت بیشتری دنبال می‌کند. حتی وقتی که به توجیه کارهای نازی‌ها متهم شد گفته بود: درک کردن به معنی بخشیدن و نادیده‌گرفتن نیست. فکر می‌کنید چرا این شکل از رویارویی با دیکتاتورها و جانیان جنگی و اکنش‌های زیادی را برمی‌انگیزد آن‌قدر که متهم به جانب‌داری از آن‌ها می‌شوند؟**

در رویارویی با جنایات بزرگ و جنایتکاران بزرگ، احتمالا طبیعی‌ترین واکنش اغلب انسان‌ها احساس نفرت محض و میل به انتقام و تشفّی خاطر است و گزاره‌ای که لاجرم همراه و مکمل این احساسات می‌شود و ستاندن انتقامی کور را توجیه می‌کند این است که فرد به خود بگوید این مجرم هیولاست و جنایتکاری بالفطره، و جنایتکار بالفطره هم سزاوار انسان تلقی‌شدن و رفتار انسانی نیست. وقتی شما انسانی را از انسانیت تهی می‌کنید، دیگر هر کاری که دلتان بخواهد می‌توانید علیه او انجام بدهید؛ این دقیقا همان کاری است که رژیم نازی می‌کرد: می‌کوشید دشمنان خود (یهودیان، کولی‌ها، کمونیست‌ها و غیره) را در چشم ملت آلمان از انسانیت تهی کند و مشتی انگل جلوه بدهد تا دیگر مستحق شفقت انسانی نباشند و راحت حذف شوند. اما کنارزدن این لایهٔ نخست از عواطف انسانی، از همه‌کس ساخته نیست، مخصوصا اگر فرد ـ مثل آرنت یا دورفمن ـ خود جزو قربانیان جنایت بوده باشد. مستلزم شکیبایی و تسلّط بر اندوه و خشم است، و البته اندیشیدن. ریچارد برنستین که از دوستان هانا آرنت بوده می‌گوید: آرنت به عبارت stop and think! (بایست و فکر کن!) کتاب سال‌ها در اسرائیل ممنوع بود چون آن‌ها به‌شدت تلاش کرده بودند تا ربودن و محاکمه آیشمن را تبدیل به برگ برنده خود کنند و در سطح بین‌المللی خود را تنها خونخواه قربانیان هولوکاست جلوه بدهند، اما به نظرشان می‌رسید که ایرادهای آرنت بر نحوه برگزاری این دادگاه، رشته‌هایشان را پنبه می‌کند. در عین حال چون نام این دو کتاب را کنار هم آوردید، به نظرم لازم است توجه کنیم که رویکرد دورفمن و آرنت در نزدیک‌شدن به موضوع متفاوت است. دورفمن دیدگاهی تاریخی-ادبی دارد و آرنت دیدگاهی تاریخی-فلسفی-روانشناختی. آرنت تلاش می‌کند شخصیت آیشمن و خصوصیات روانی او را از نوجوانی به بعد بکاود و چنانکه از یک فیلسوف انتظار می‌رود، بفهمد که «چرا» فردی عادی و بی‌فکر مثل او توانسته در تعامل با محیط خود در سلسله‌مراتب رژیم نازی رشد کند و دست به جنایت بزند؛ اما دورفمن ماجرا را از این پرسپکتیو نمی‌بیند. دیدگاه آرنت را باید رادیکال‌تر دانست چون نه‌تنها می‌گفت آیشمن انسان است بلکه می‌گفت انسانی مبتذل و سطحی و بی‌فکر است. در عین حال، هردوی آن‌ها معتقدند که این دو جنایتکار باید «منصفانه» محاکمه شوند چون برخلاف تمام جنایاتشان، همچنان و همواره انسان‌اند و محاکمه منصفانه «حق» هر انسانی است که روی کره زمین متولد می‌شود، حتی بزرگ‌ترین جنایتکار تاریخ.

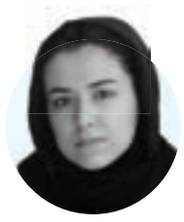

چاپ این کتاب سال‌ها در اسرائیل ممنوع بود چون آن‌ها به‌شدت تلاش کرده بودند تا ربودن و محاکمه آیشمن را تبدیل به برگ برنده خود کنند و در سطح بین‌المللی خود را تنها خونخواه قربانیان هولوکاست جلوه بدهند

**هنگام خواندن کتاب آرنت، خواننده از حجم نکته‌سنجی‌ها، جزئیات بی‌شمار و دقیقی مانند تعداد یهودیان در کشورهای مختلف، همچنین اشاره به تأثیر شوراهای یهود در کشتار یهودیان و منابع متعددی که او به آن استناد کرده شگفت‌زده می‌شود. از طرفی، در متنی که به‌صورت پی‌دی‌اف در سایت ناشر منتشر شده، آرنت می‌گوید از اینکه کتابش به**

## فروش ۱۰ هزار جلد کتاب در یک روز

شهرآرا طرح زمستانه کتاب مشهد از ۹ اسفند آغاز شده است و تا ۱۶ اسفند ادامه دارد. این طرح در ۸۲ کتاب‌فروشی مشهد و درمجموع در ۱۱۱ کتاب‌فروشی خراسان رضوی درحال اجراست. افشین تحفه‌گر معاون فرهنگی و رسانه‌ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی از افزایش مشارکت سی‌درصدی کتاب‌فروشی‌ها در این طرح خبر داد و گفت: امسال خراسان رضوی در اجرای طرح‌های فروش کتاب وضعیت بسیار خوبی داشت به‌گونه‌ای که در طرح بهارانه، تابستانه و پاییزه رتبه اول را، هم در

یادداشتی بر نمایشگاه «تمثال» آثار «هستی انجام‌روز» در نگارخانه آذرنور

# لزوم رد کردن سرعت گیر، با شتاب بالا

امیرمنصور رحیمیان

نگارستان

اینکه آدم تصمیم بگیرد برود دماوند را فتح بکند به تنهایی باعث فتح دماوند نمی‌شود.

ملزوماتی باید تهیه بشود و از موانعی باید رد بشود. تازه در آن صورت هم رسیدن به قله صددرصد تضمین شده نیست و ممکن است که در راه هزار طور مسئله پیش بیاید. اوضاع هوا خراب باشد، کوه ریزش کرده باشد، راه گم بشود و از همه مهم‌تر ممکن است هزار نفر حرف‌های بی‌ربط بزنند که «رسیدن به قله کار هر کسی نیست و چنان و چنین است» و آدم دلسرد بشود. یا ممکن است که کسانی هم پیدا بشوند که امید الکی بدهند و باعث بشوند که آن بنده خدا با سر به دره بیفتد. جرئت و جسارتی که قبل‌تر در موردش حرف زدم، قسمت عمده‌اش برمی‌گردد به تحمل شکست داشتن و چشیدن طعم تلخ ناکامی. این‌هایی که عرض کردم را خودتان بهتر از من می‌دانید. ولی آدمی که اولین قدم را برمی‌دارد، نصف راه را رفته است.

من از کوه‌نوردی مثال آوردم چون دقیقا مثل زندگی است. مثل خیلی از چیزهای دیگر که شبیه به زندگی هستند. مثل هنر نقاشی، که برای بعضی نقاشان موفق، نه مثل زندگی که خود زندگی است. ولی همان آدم‌ها هم از نقطه‌ای شروع کرده‌اند. نقطه‌ای که پر از آزمودن و تجربه کردن و خلاقیت است. نقطه‌ای که الان «هستی انجام‌روز» به ظاهر روی آن ایستاده است. نمایشگاه «تمثال» آثار هنرمند یاد شده در نگارخانه آذرنور پر شده از این تجربیات خلاقانه هنرمند جوانی که اگر راه را گم نکند و دلسرد نشود، بعدها از او بیشتر خواهیم شنید. این ضیافت تماشا شامل مجموعه پرتره‌هایی است که انجام‌روز نقش زده است. پرتره‌هایی که در آن‌ها سعی شده است تا ابعاد جدیدی داشته باشند. با اینکه آثار از نظر ساختاری پیرو سبک رئالیسم و گاهی هایپررئال هستند و هنرمند تمام اصول و قواعد چهره‌ها را به خوبی و در حد کمال رعایت کرده است، ولی با این حال، سعی کرده تقریبا در تمام آثار، پا را از سبک و سیاق معمول فراتر بگذارد و شیوه جدیدی را آزمایش کند. از ضربه‌های بی‌هدف و نامنظم قلم‌مو با استفاده از رنگ‌های متضاد در کنار چهره‌های دقیقش گرفته تا پرتره‌های پر از جزییات در مقابل خطوط صاف و بدون ذره‌ای اعوجاج و حاشیه قاب‌ها. همه این‌ها نشان از خواست نقاش به فراتر رفتن از چهره‌ها در آثارش دارد. خط‌های قدرتمند و فیگورهای دقیق، در حاشیه؛ رنگ‌گذاری نکردن برخی آثار و رعایت نکردن ترکیب‌بندی در برخی نقش‌های دیگر، تلاش دیگر او برای بیرون رفتن از قاب چهره‌ها و شخصیت‌ها، در تابلوهاست. ولی انگار ترسش به او اجازه نمی‌دهد تا قواعد را به کلی زیر پا بگذارد. شاید هراس از قضاوت شدن و اطلاعات کافی نداشتن به سبک و سیاقش، مثل ترمزی عمل می‌کند و نمی‌گذارد از جایی جلوتر برود. ولی در معدود آثاری که از بندهای ذهنی خودش

عکس: مهدیه غفوریان| شهرآرا